

غایب پیشوای قوانند

یکی از شبهه‌هایی که در مورد امام زمان علیه السلام مطرح می‌شود این است که: امام غایب رهبر و پیشواست و وجود رهبر در صورتی می‌تواند مفید باشد که حضور عادی در میان پیروان خود داشته باشد. امامی که دیده نمی‌شود، چگونه می‌تواند نقش رهبری را در جامعه ایفا کند؟

نمونه‌های روایی

۱. جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: آیا شیعه در زمان غیبت از فیوضات قائم آل محمد صلی الله علیه و آله برخوردار می‌شوند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آری، قسم به پروردگاری که مرا به پیامبری برگزید، از وی نفع می‌برند و از نور ولایتش کسب نور می‌کنند، همچنان که از خورشید

به تعبیر دیگر زندگی امام در دوران غیبت به منزله چشمه آب زلالی است که در ظلمات بوده و کسی را توان دسترسی به آن نیست.

وجود مخفیانه آن چشمه چه سودی برای عموم مردم دارد و مردم چگونه از وجود پنهان او بهره‌مند

امام زمان علیه السلام در زمان غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه شده است؟

وجه شباهت امام زمان علیه السلام به خورشید پشت ابر

۱. خورشید در منظومه شمسی مرکزیت دارد و کرات و سیارات به دور او در حرکتند، چنان که وجود گرمای حضرت حجت علیه السلام در نظام هستی مرکزیت دارد. «بِقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَ بِبَيْمَتِهِ رُزِقَ الْأَرْوَاحُ وَ بِوُجُودِهِ تَبَتَّتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ»^۴

به بقای او دنیا باقی است و به یمن وجود او بقیه موجودات روزی داده می شوند و به واسطه وجود او زمین و آسمان پایدارند.

۲. خورشید در این مجموعه منافع فراوانی دارد مانند: جاذبه که مایه ثبات و بقای نظام است، گرما و حرارت که پشت انبوه ابر غلیظ نیز به زمین می رسد و نیز باد و باران، روئیدن گیاهان و امثال آن از برکت تابش خورشید است که ابرگرفتگی در آن اثر مهمی ندارد. بله، نورافشانی از پشت ابر کمتر خواهد بود. بدین ترتیب ابرگرفتگی فقط یکی از منافع آفتاب را

استفاده می کنند هنگامی که در پشت ابرها قرار گیرد.^۱

۲. از امام سجاد علیه السلام پرسیدند: شیعیان در زمان غیبت از وجود حضرت ولی عصر علیه السلام چگونه استفاده می کنند؟ فرمود: «آنچنان که از خورشید استفاده می شود، هنگامی که در پشت ابرها پنهان گردد.»

۳. امام باقر علیه السلام فرمود: «از روزی که خداوند متعال حضرت آدم را آفریده تا روز قیامت زمین خالی از حجت نبوده و نخواهد بود، یا حجت ظاهر و روشن و یا غایب و پنهان.»
راوی پرسید از امام غایب چگونه استفاده می شود؟ فرمود: «آن چنان که از خورشید هنگامی که پشت ابر است استفاده می شود.»^۲

۴. در توفیق مبارکی که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام توسط دو مین نائب خاص، محمد بن عثمان به اسحاق بن یعقوب صادر شده است چنین نوشته شده: «اما چگونگی استفاده مردم از من مثل استفاده آنها از خورشید هنگامی که در پشت ابر پنهان شود می باشد.»^۳

نکته اساسی این جاست که چرا

می‌کنند هر لحظه که بخواهند در حضور هستند.

جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی

غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد^۶

۵. آفتاب لحظه‌ای از نورافشانی غفلت نمی‌کند. هر کس به اندازه ارتباطی که با خورشید دارد از نور آن بهره می‌برد و اگر بتواند همه موانع را کنار بزند و در برابر آفتاب بنشیند، بهره کاملی می‌برد. چنان که حضرت ولی عصر مجرای فیض الهی است و در این جهت فرقی بین بندگان خدا نمی‌گذارد لیکن هر کس به اندازه ارتباط خود استفاده می‌برد.^۷

فایده تکوینی و تشریحی

فوائد وجود امام زمان علیه السلام را می‌توان به دو قسم تکوینی و تشریحی تقسیم نمود. در فایده تکوینی شناخت و عدم شناخت دخالت ندارد، بلکه مسلمان و کافر، همه به طور مساوی از آن بهره‌مند هستند. ولی در فایده تشریحی، شناخت و معرفت، در استفاده از وجود حجت الهی دخالت مستقیم دارد، هر چه انسان نسبت به وجود امام عصر علیه السلام شناخت کامل‌تری داشته باشد و به ایشان عشق و علاقه

تقلیل می‌دهد، نه این که از بین ببرد. امام زمان علیه السلام نیز غیر از حضور عادی‌اش در میان مردم منافع فراوانی برای مردم دارد که در پرتو وجود حضرتش از وجود او استفاده می‌برند. ۳. ابر هرگز آفتاب را نمی‌پوشاند بلکه ما را می‌پوشاند، در نتیجه ما را از دیدن آن محروم می‌کند، نه آن که در منفعت رسانی آن خلل ایجاد کند. چگونه می‌توان گفت کسی که عالم وجود در قبضه قدرت اوست و می‌تواند هر لحظه‌ای در هر جا حضور داشته باشد، غایب است؟

کی‌رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را

کی‌بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را

غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور

پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را

با صد هزار جلوه برون آمدی که من

با صد هزار دیده تماشا کنم تو را^۵

۴. پوشاندن ابر اختصاص به

کسانی دارد که در زمین هستند نه کسی

که بر فراز ابر حرکت می‌کند. غیبت آن

حضرت نیز برای کسانی است که به

دنیا و طبیعت چسبیده‌اند، اما کسانی که

بر آبر شهوات و غبار هواهای نفسانی پا

می‌گذارند و در آسمان معنویت پرواز

بدون امام و حجت خدا چنین ترسیم می‌کند:

«لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ؛
اگر زمین بدون امام بماند فرو
می‌ریزد.»^{۱۰}

البته باید بدانیم که نه تنها زمین، بلکه آسمان هم به برکت امام علیه السلام نگه داشته شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی که یکایک امامان را به جابر معرفی فرمودند، تصریح کرده‌اند که:

«بِهِمْ يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَفْعَ عَالِي
الْأَرْضِ إِلَّا بِأَذْنِهِ وَ بِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ
تَمِيدَ بِأَهْلِهَا؛ خداوند به وسیله ایشان،
آسمان را از این که بدون اجازه او بر
زمین افتد، نگه می‌دارد و به وسیله
ایشان زمین را حفظ می‌کند که اهل
خود را به تزلزل در نیورد.»^{۱۱}

افتادن آسمان به زمین نشانه به هم
خوردن نظام آفرینش است.

نه تنها نظام آسمان و زمین به
برکت امام باقی است، بلکه بقیه اموری
که برای حیات انسان ضرورت دارد نیز
متوقف بر وجود امام علیه السلام است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «بِنَا أَمْسَرَتِ
الْأَشْجَارُ وَ أُتْبِعَتِ الْغَمَارُ وَ جَرَّتِ الْأَنْهَارُ بِنَا
يَنْزِلُ غَيْثُ السَّمَاءِ وَ يُنْبِتُ عُشْبُ الْأَرْضِ؛^{۱۲}

بیشتری نشان دهد، بهره‌مندی او از
وجود ایشان بیشتر است.

فواید تکوینی امام زمان علیه السلام ۱- واسطه فیض:

خداوند متعال، نظام دنیا را به
گونه‌ای قرار داده است که بدون وجود
امام علیه السلام امکان زندگی روی زمین
وجود ندارد، چرا که زمین به برکت
امام علیه السلام قرار و آرام پیدا کرده است.

شواهد نقلی این مطلب بسیار
است. به عنوان نمونه امام باقر علیه السلام
فرمود: «جَعَلَهُمُ اللَّهُ أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ
بِأَهْلِهَا؛^۸

خداوند ایشان را ارکان زمین قرار
داده تا اهلش را به اضطراب و تزلزل در
نیاورد.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «جَعَلَهُمُ اللَّهُ
أَرْكَانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ؛^۹
خداوند ایشان را ارکان زمین قرار
داده است، تا این که آن‌ها را به تزلزل و
اضطراب نیندازد.»

پس اگر امام نباشد، زمین قرار و
آرامش نخواهد داشت. خداوند به
وسیله اهل بیت علیهم السلام زمین را مستقر
ساخته، تا در آن آرامش برقرار شود.

امام صادق علیه السلام وضعیت دنیا را

مسی توان آن را تسربیت تکوینی نام گذاشت. در اینجا الفاظ و کلمات و گفتار و کردار کار نمی‌کند بلکه تنها جاذبه و کششی درونی مؤثر است.

در حالات بسیاری از پیشوایان بزرگ الهی می‌خوانیم که گاه بعضی از افراد منحرف و آلوده با یک ارتباط مختصر با آن‌ها به کلی تغییر کرده و مسیر خود را عوض می‌کردند.

این دگرگونی سریع و همه جانبه، آن‌هم با یک نگاه و تماس مختصر، نمی‌تواند نتیجه تعلیم و تربیت عادی باشد، بلکه معلول یک اثر روانی نامرئی و یک جاذبه ناخودآگاه و قهری است که گاهی از آن به نفوذ شخصیت نیز تعبیر می‌شود.

داستان برخورد اسعد بن زراره بت پرست با پیامبر ﷺ در کنار خانه کعبه و تغییر سریع طرز تفکر او و یا داستان سرگذشت زن خواننده‌ای که هارون او را به گمان خام خود برای منحرف ساختن ذهن امام کاظم ﷺ به زندان اعزام داشته بود، و منقلب شدن روحیه او در یک مدت کوتاه، تا آنجا که قیافه و طرز سخن و منطق او هارون را بسه حیرت و وحشت افکند و

به سبب ما درختان میوه می‌دهند و میوه‌ها به ثمر می‌رسند و رودها جاری می‌شوند، و به سبب ما باران از آسمان می‌بارد و گیاهان و سبزیجات زمین می‌رویند.»

بنابراین بهره بردن از هر یک از نعمت‌های الهی، موکول به نعمت وجود امام ﷺ است و به واسطه وجود مقدس ایشان، همه موجودات زنده (اعم از گیاهان و حیوانات و انسان‌ها) می‌توانند زنده و باقی بمانند. این نوع انتفاع از امام ﷺ متفرع بر شناخت آن حضرت نیست. افراد، چه امام را بشناسد و چه نشناسد، چه تسلیم ایشان بشوند و یا هیچ اعتقادی به ایشان نداشته باشند، به برکت وجود او بر روی زمین سکونت داشته و از نعمت‌های مختلف آن بهره‌مند می‌گردند.^{۱۳}

۲- نفوذ روحانی

یک رهبر بزرگ آسمانی خواه پیامبر ﷺ باشد یا امام، علاوه بر تربیت تشریحی که از طریق گفتار و رفتار و تعلیم و تربیت عادی صورت می‌گیرد، یک نوع تربیت روحانی و از راه نفوذ معنوی در دل‌ها و فکرها دارد که

نباید فراموش کرد که همان گونه که امواج مغناطیسی زمین روی هر آهن پاره بی‌ارزشی اثر نمی‌گذارد، بلکه روی عقربه‌های ظریف و حساس قطب نما که آب مغناطیسی خورده‌اند و یک نوع سنخیت و شباهتی با قطب فرستنده امواج مغناطیسی پیدا کرده‌اند اثر می‌گذارد، همینطور جذب روحانی قطب عالم امکان بر دل‌های پاکی که با طهارت ظاهری و باطنی، آمادگی پیدا کرده‌اند، اثر گذاشته و آن‌ها را به رشد و تعالی می‌رساند.^{۱۴}

فایده‌های تشریحی امام غایب

این جهت از نعمت بودن امام بستگی به معرفت و شناخت نسبت به ایشان دارد. هر کس بخواهد از این نعمت استفاده کند، باید در مرحله اول امام را بشناسد و سپس تسلیم شده و در امور روزانه خود رضایت و توجه آن حضرت را مد نظر خود داشته باشد. به عبارتی جنبه تشریحی نعمت بودن امام، بدون عمل اختیاری افراد، تحقق نمی‌یابد. نمونه‌هایی از فوائد تشریحی امام غایب را بررسی می‌کنیم:

۱- امیدبخشی:

ایمان به مهدی غایب و انتظار

داستان‌های دیگری از این قبیل نمونه‌هایی از همین تأثیر ناخودآگاه است که می‌توان آن را شعبه‌ای از «ولایت تکوینی» پیامبر ﷺ یا امام علی (ع) دانست.

وجود امام غایب در پشت ابرهای غیبیت نیز این اثر را دارد که از راه اشعه نیرومند و پردامنه ولایت، دل‌های آماده را تحت تأثیر جذب معنوی و روحانی خود قرار داده و به تربیت و تکامل آن‌ها پردازد.

ما قطب‌های مغناطیسی زمین را با چشم خود نمی‌بینیم ولی اثر آن‌ها بر روی عقربه‌های قطب نما مشاهده می‌کنیم که در دریا راهنمای کشتی و در صحراها و آسمان راهنمای هواپیما و وسائل دیگر است تا در سراسر کره زمین از برکت این امواج مغناطیسی، میلیون‌ها مسافر راه خود را به سوی مقصد پیدا کرده و از سردرگمی رهائی یابند.

آیا تعجب دارد اگر وجود امام علی (ع) در زمان غیبیت با امواج جاذبه معنوی خود، افکار و جان‌های زیادی را که در دور یا نزدیک قرار دارند هدایت کند، و از تحیر رهائی بخشد؟

دل‌های زخم‌دار طبقه محروم می‌گردد.

نویدهای مسرت‌بخش حکومت توحید عقاید مؤمنین را نگهداری نموده، در دین پایدارشان می‌کند.

ایمان به غلبه حق، خیرخواهان بشر را به فعالیت و کوشش وادار می‌نماید.

استمداد از آن نیروی غیبی، انسانیت را از سقوط در وادی هولناک یأس و ناامیدی نجات می‌دهد.

ایمان به مهدی موعود، آینده روشن و فرح‌بخشی را برای مسلمانان بالاخص شیعیان مجسم نموده، روح یأس و شکست را از آنان سلب نموده، به کار و کوشش در راه رسیدن به هدف ترغیبشان می‌کند.

۲- پاسداری از آئین خدا:

باگذشت زمان و پیدایش سلیقه‌های مختلف و آمیختن آن‌ها با مسائل مذهبی و گرایش‌های متفاوت به سوی برنامه‌های ظاهر فریب مکتب‌های انحرافی، و دراز شدن دست مفسده‌جویان به سوی مفاهیم آسمانی، اصالت پاره‌ای از این قوانین از دست رفته و دستخوش تغییرات

ظهور امام زمان علیه السلام، مایه امیدواری و آرامش دل‌های مسلمین است و این امیدواری یکی از بزرگترین اسباب موفقیت و پیشرفت در راه رسیدن به هدف می‌باشد. هر گروهی که روح یأس و ناامیدی خانه دلشان را تاریک نموده باشد و چراغ امید و آرزو در آن نتابد، هرگز روی سعادت را نخواهند دید.

اوضاع آشفته و اسفبار جهان و سیل بنیان‌کن مادیت و کسادبازاری علوم و معارف و محرومیت روزافزون طبقه ضعیف و توسعه فنون استعمار و جنگ‌های سرد و گرم و مسابقه تسلیحاتی جهانی، خیرخواهان بشر را مضطرب کرده است، به طوری که ممکن است گاهی در اصل قابلیت اصلاح بشر تردید نمایند. تنها روزنه امید که برای بشر مفتوح است و یگانه برق امیدی که در این جهان تاریک جستن می‌کند، همان انتظار فرج و فرا رسیدن عصر درخشان حکومت توحید و نفوذ قوانین الهی است.

انتظار فرج قلب‌های مایوس و لرزان را آرامش بخشیده و مرهم

زیان باری می‌گردد.

این آب زلال که در قالب دین الهی از آسمان نازل شده، با عبور از مغزهای این و آن، تدریجاً بعضی از قوانین آن از مسیر واقعی خارج گردیده و صفای نخستین خود را از دست داده است و این نور پر فروغ و هدایت‌گر با عبور از شیشه‌های ظلمانی افکار تاریک و ضیق بشر، بی‌رنگ و کم‌فروغ شده است. در این فرض آیا ضروری نیست که در میان جمع مسلمانان کسی باشد که مفاهیم دائمی تعالیم اسلامی را در شکل اصلیش حفظ و برای آیندگان نگهداری کند؟

مگر مجدداً وحی آسمانی بر کسی نازل می‌شود؟ مسلماً خیر، موضوع وحی با مسأله خاتمیت برای همیشه بسته شد. پس چگونه باید آئین اصیل اسلامی حفظ گردد، جلوی تحریفات و تغییرها و خرافات گرفته و برای نسل‌های آینده محفوظ بماند؟ آیا جز این است که باید این کار توسط یک پیشوای معصوم ادامه یابد؟ خواه آشکار و مشهور باشد یا پنهان و ناشناس.

معمولاً در هر موسسه مهمی

«صندوق آسیب‌ناپذیری» وجود دارد که اسناد مهم آن موسسه را در آن نگهداری می‌کنند، تا از دستبرد دزدان محفوظ بماند، یا هرگاه آتش‌سوزی در آن جا روی دهد از خطر حریق مصون باشد که اعتبار و حیثیت آن موسسه ارتباط نزدیکی با حفظ آن اسناد و مدارک دارد.^{۱۵}

قلب امام و روح بلندش صندوق آسیب‌ناپذیری برای حفظ اسناد آئین الهی است که همه اصالت‌ها و واقعیت‌های نخستین و ویژگی‌های آسمانی این تعلیمات را در خود نگهداری می‌کند تا حجت‌های الهی باطل نگردد.

۳- تصرف امام در کارها:

تصرف امام زمان علیه السلام در کارها به واسطهٔ وکلاء خاص یا عام است. بدیهی است که رئیس و سرپرست قومی لازم نیست که شخصاً در امور مداخله کند، بلکه سیرهٔ رهبران همیشه بر این منوال بوده که با واسطه در امور دخالت می‌کردند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام از طرف خود در شهرهایی که حاضر نبودند، نمایندگان را منصوب می‌کردند، همچنین ائمه دیگر در زمان خودشان در شهرهای

مختلف و کلائی داشتند.

مردم از فقیهانی که بر نفس خود مسلط‌اند و حافظ دین و مخالف هوای نفس و مطیع امر مولای خود می‌باشند، تقلید کنند.»

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- بحار الانوار، چاپ قدیم، ج ۱۳، ص ۱۲۹؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۳.
- ۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۷.
- ۳- احادیث الامام مهدی (عج)، ج ۴، ص ۲۹۴؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۲۲؛ غیبت، شیخ طوسی، ص ۱۱۷.
- ۴- مفاتیح الجنان، دعای عدیله.
- ۵- دیوان حافظ، ص ۱۹۵، غزل ۱۴۴.
- ۶- فروغ بسطامی.
- ۷- عصاره خلقت، آیت الله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، ص ۸۵.
- ۸- اصول کافی، کتاب الحجة، باب ان الائمه هم ارکان الارض، ج ۱.
- ۹- اصول کافی، کتاب الحجة، باب ان الائمه هم ارکان الارض، ج ۱.
- ۱۰- اصول کافی، کتاب الحجة باب ان الارض لا تخلو من الحجة، ج ۱۰.
- ۱۱- بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۲۰.
- ۱۲- اصول کافی، کتاب الحجة، باب النوادر، ج ۵.
- ۱۳- آفتاب در عزیمت، سید محمد بنی هاشمی، انتشارات میقات، ص ۱۱۵.
- ۱۴- حکومت جهانی مهدی علیه السلام، آیت الله مکارم شیرازی، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ص ۲۶۱.
- ۱۵- همان، ص ۲۵۷.
- ۱۶- آخرین تحول با حکومت ولی عصر علیه السلام، نشر کوکب، چاپ چهارم، ص ۷۹.
- ۱۷- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱؛ احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۸۳.
- ۱۸- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۵، حدیث ۲۰، باب ۱۰.

امام غایب؛ مهدی موعود نیز به این طریق کارهای مردم را سرپرستی می‌کند و لذا در زمان غیبت صغری و کلاء خاصی را برای رسیدگی به امور مردم معین فرمود و مقام نیابت خاصه را به آن‌ها عنایت کرد و در زمان غیبت کبری به طور عام فقهاء و علماء عادل را که دانا به احکام الهی هستند برای قضاء و فصل خصومات و حفظ مصالح عامه مسلمین نصب و تعیین فرموده که مراجع امور مسلمانان باشند. ۱۶

چنانکه در برخی احادیث از امام عصر علیه السلام رسیده است که آن حضرت در توقیع مبارک چنین فرمودند:

«وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَازْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُورَةٍ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ؛ ۱۷»

در رویدادهای تازه به زوایان حدیث ما (علماء و مجتهدین) رجوع کنید، زیرا آنان حجت من بر شما می‌باشند و من حجت خدا هستم.»

و نیز در توقیع دیگر فرموده است: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ ضَائِبًا لِنَفْسِهِ خَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلْيَعْوِمْ أَنْ يَقْلُدُوهُ؛ ۱۸»